

چرا اعدامشان کردند؟

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

بربریت همان.

نیروهای انقلابی و مترقی مسئولیت دارند تا اوضاع و شرایطی که به کشتار ۶۰ انجامید را در جزییات برای نسل جوان مبارز توضیح دهند. که شرح ماجرای کشتار و زندان و شکنجه زندانیان سیاسی تنها نوک کوه یخ سلسله و تبار تروریستی اسلام سیاسی است که گذشته از پیشینه ۱۴۰۰ ساله خود، اما که در تاریخ معاصر توسط امثال اخوان المسلمین و فداییان اسلام (سلف خمینی و جمهوری اسلامی) تکرار شده است. باید گفت و نوشت که ادعای خامنه ای دایر بر ۱۷ هزار کشته رژیم توسط مجاهدین جعل روشن و دروغ زنی تکرری است. که حتی مجاهدین به مدت دو سال و نیم خمینی و رژیم کج دار و مریض کردند، صدها کشته و هزاران مجروح دادند، چرا که تنها از طریق تبلیغ و ارایه نشریه خود در صدد تعویض اوضاع برآمدند. روشی که حتی مورد انتقاد سایر نیروهای مخالف در جبهه چپ و دموکراتها قرار میگرفت. یورش رژیم به تشکیلات مخالفین با نطق خمینی دایر بر "این قلم ها را بشکنید" آغاز شد. گله های اوباش قمه بدست در تمام شهرهای ایران به همراه ۳ بدستان کمیته ها و پاسداران چنان سلاخی از فرزندان ایران نمودند که اگر چه عنصر قهر را در دستور کار مخالفین گذارد ولی بسا که بسیار دیر بود! آدم ربایی ها، ترورها و تیرباران ها در راستای تثبیت رژیم بربریت بکار آمد.

با نزدیک شدن به تاریخ سالگشت کشتار ۶۷ نیکوتر آنکه کمی هم به زمینه سازی و بازبهای کثیف رژیم برای آغاز کشتار مخالفین بپردازیم. نسل نو و مبارزین جوان احتیاج دارند تا از ماهیت همین حضرات اصلاح طلب فعلی و بازجو و شکنجه گر و بواقع، آدم خورهای آن روزی با خبر شوند. که حضرات اصلاح طلب ابتدا وضو گرفته و سپس در معیت لاجوردی به بازجویی و شکنجه زندانیان سیاسی پرداختند. چگونه دست در دست هم از خط امام و غیره. بچه های مردم را در گروه های دهها نفره اعدام و کشتار چنان پر دامنه شد که برای مثال

با نزدیک تر شدن به سال گشت کشتار ۶۷ و اعدام هزاران زندانی سیاسی در مرداد و شهریور ماه آن سال، رژیم بربریت حاکم بر ایران گویی دست پیش را گرفته و حتی سه ماه پیش از این سالگرد، از دهان رهبر خود (خامنه ای) به طرح ضد حمله ای رسوا اقدام کرده است. طرفه اینکه برای مثال و در مراسم سالروز مرگ خمینی، رهبر کنونی جمهوری اسلامی (خامنه ای) گفت که "مواظب باشید در قضاوت ها درباره دهه شصت، جای شهید و جلاد عوض نشود." او فرار رو به جلو را برگزیده و اضافه می کند که مجاهدین ۱۷ هزار نفر را ترور کرده اند!! و دهه ۶۰ خورشیدی را دهه تجزیه طلبی نامید. وی گله های اوباش قمه بدست و اعضا جوخه های مرگ و ز ۳ بدستان را فرزندان خلق نامید و با جعل رقم ۱۷ هزار شهید و تولید دروغ بزرگ تجزیه طلبی برای نیروهای مخالف رژیم و انقلابیون به وارونه نمایی تاریخ اقدام نموده که امسال رژیم اسلامی قبل از نیروهای اپوزیسیون ضد حمله خود را از طریق دروغ پردازی مستمر درباره همه کشی دهه ۶۰ آغاز نمود.

جمهوری اسلامی بعنوان آلترناتیو ارتجاع داخلی و برگزیده چهار قدرت غربی (آمریکا، انگلیس، فرانسه و المان) اکیدا به مسئولیت اصلی خود دایر بر سرکوب همه جانبه اندیشه آزادی و آزادی خواهان عمل کرده است. نه تنها خلا قدرت دیکتاتوری پهلویان را پر نمود که بنا به ماهیت عقب مانده و ارتجاعی خود، قادر شد که جامعه را به لحاظ اجتماعی، سیاسی و حتی اخلاقی به انحطاط کشاند. که وظیفه تروریست ها ایجاد فضای قبرستانی در ایران بود تا به عنوان قطعه مهمی از طرح جامع خاورمیانه، ایران از تکان های سیاسی دموکراتیک برکنار بماند و سرمایه داری (پیرامونی) آن استمرار یابد. در این تصویر کاخ سفید و اتحادیه اروپا نقش ویژه ای برای جمهوری اسلامی قائل هستند. در همین راستا اما که رژیم اسلامی ویژگی های مسله توسعه حتی مدل دلخواه بانک جهانی را ندارد و نه می خواهد که سرکوب و ترور و فشار خفقان آور بر مردم را کاهش دهد، چرا که آنها نیز خوب میدانند که شل شدن دامنه سرکوب ها همان و شمارش معکوس سرنگونی کلیت نظام

روز ۳۱ خرداد و اول تیر ماه سال ۶۰، دختران و پسران اعدام شده را بطور فله ای رویهم ریخته و تحویل پزشک قانونی در ضلع جنوبی پارک شهر داداند. مبارزین جوان به واسطه از دست دادن خون بدن، با صورتهای مهتابی حتی بدون اسم و نام و نشان و برگ ویژه تایید هویت و علت جان باختن بار امبولانس ها کردند. همون روز که ما منتظر جسد سعید سلطان پور نازنین بودیم و ناگهان با آوردن جسد چمران از جبهه همگی باید محل را ترک می کردیم، چراکه گله های اوباش به مردم حمله ور شدند.

باید با شرح و تصویرسازی مکرر از شرایط خفقان و سرکوب و حمله اوباش مسلح به گردهمایی های نیروهای انقلابی گفت و نوشت. به ماه ها و سال هایی که جامعه جهانی و بویژه اربابان رژیم اسلامی چشم خود را بر روی ترورها، کشتار مردم و ادم ربایی و درکل فضای سرکوب در ایران بستند. اجازه

داداند تا رژیم با جنایت و سرکوب حداکثری نیروهای مخالف را بتاراند و تثبیت شود. به چه بهایی؟ به بهای نه تنها کشتار هزاران فرزند دلیر مردم ایران که جدا با تحریک و تولید جنگ با عراق به وظایف و مسولیت های محوله جامه عمل بپوشاند. که هنوز پس از این همه سال شب ها چهره مهتابی بچه های اعدام شده بیادم میاید و بویژه در چنین ایامی. که خامنه ای دروغ میافد و ۱۷ هزار کشته اپوزیسیون آزادی خواه داد تا از شرف انسانی در مقابل تروریستهای تاریخی دفاع نماید. من مطمئن هستم که بالاخره جمهوری اسلامی، خود حلقه آویز طناب این اعدام ها خواهد شد. حلقه آویز کشتار ۶۷ و اعدامیان دهه ۶۰! که خامنه ای در مراسم سالروز مردن خمینی دروغ گفت همانند خمینی که دروغ میگفت از جمله "بله این ها هستند که خرمن ها را آتش میزنند و بعد میگویند که ما فدای خلقیم!" که رونوشت برابر اصل است.
